



انتشار دست نوشته‌ای از
از رهبر فرزانه انقلاب
برای نخستین بار

صفحه ۲



sattari.ir

دی ماه ۱۳۹۵

ویژه نامه بیست و دومین سالگرد شهادت
سرلشگر منصور ستاری

پیش بینی امام خمینی (ره)
از شهادت منصور ستاری

صفحه ۳



ما مرگ را شکست دادیم

زوایای ناشناخته شخصیتی شهید ستاری در گفتگو با هم‌رزم دیرینش

صفحه ۱۲، ۱۱ و ۱۳

صفحه ۱۴

آخرین پرواز نابغه آسمان

صفحه ۱۶

چرا باید منصور ستاری
را بیشتر بشناسیم؟

صفحه ۹ و ۸

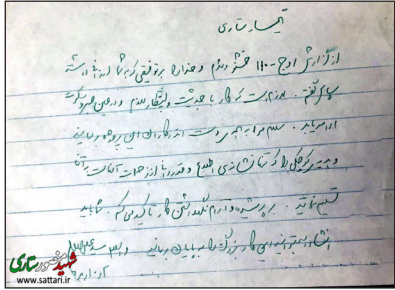
عکسهای دیده نشده
منصور ستاری

صفحه ۱۰

پدر نابغه از نگاه پسری که
تلاش می کند نبوغ ایرانی را
به محصول ایرانی تبدیل کند



سند مهم منتشر نشده ای از رهبر معظم انقلاب اسلامی



این کار بزرگ را به پایان برسانید

چشمگیر و خشنودکننده ستاری و یاران اش، تقدیر می‌کند. در متن این نامه آمده است:

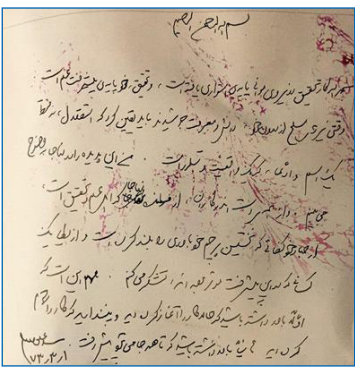
«تیمسار ستاری - از گزارش اوج-۱۱۰ خشنود شدم و خدا را بر توفیقی که به شما ارزانی داشته سپاس گفتم. لازم است که کار با جدیت و پشتکار لازم و در حین صبر و سکوت ادامه یابد. سلام مرا به همه دست اندرکاران این پروژه برسانید و هدیه ی کوچکی را که تنها نشانه‌ی اطلاع و قدردانی از زحمات آنهاست به آنها تسلیم نمایید. بر پوشیده و آرام نگهداشتن کار تاکید می‌کنم. شما باید انشاءالله بتوانید این کار بزرگ را به پایان برسانید. والسلام، سیدعلی خامنه ای ۶/۸/۱۰/۲» پروژه اوج در حقیقت پروژه ساخت هواپیمای آدرخش بود. این سند، نشانی افتخارآمیز از تلاش فرزندان برومند این سرزمین در عرصه خدمت گذاری به کشور با بهره مندی فناوری و فکر ایرانی است و چراغی است تا جوانان امروز، به پشتوانه آن، مسیرهای دشوار را آسوده تر و مطمئن تر بپیمایند.

برای آنکه یک شخصیت نظامی، برخلاف فضای حاکم بر کارش که نظامی گری است، بتواند محبوب باشد و همه فارغ از فعالیت‌های زمخت و جدی و انعطاف ناپذیر کار نظامی، دوست اش بدارند و احترام اش بگذارند، «فکر ساختن» است. شهید سرلشگر منصور ستاری فرمانده نابغه پدافند هوایی و نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران هم از آن دست شخصیت‌هایی است که نمی‌شود به راحتی از کنارش گذشت و رفت. آن شهید بزرگوار، خدمات بسیاری در طول دفاع مقدس و بعد از آن، برای آبادانی و سازندگی و تعالی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ارائه کرد که هر سال بخشی از آن، هویدا می‌شود و احترام ملت ما را بیش از پیش به ایشان بیشتر می‌کند.

در سند منتشر نشده ای که برای نخستین بار در ویژه نامه حاضر، ارائه می‌شود، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای رهبر فرزانه انقلاب اسلامی و فرمانده کل قوا، در دستخطی خطاب به ایشان، از یکی از توفیقات

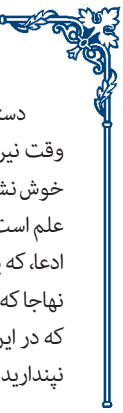
از گزارش اوج-۱۱۰ خشنود شدم و خدا را بر توفیقی که به شما ارزانی داشته سپاس گفتم.

عکس نوشت



پایه استوار تحقیق

دستخطی از رهبر فرزانه انقلاب درباره موضوع علم و فناوری و خطاب به شهید سرلشگر منصور ستاری فرمانده وقت نیروی هوایی ارتش پس از ۲۱ سال برای نخستین بار، توسط نشریه «سرآمد» چاپ شده است. در متن این عقیق خوش نشان آمده است: «بحمد الله کار تحقیق در نیروی هوایی پایه ی استواری یافته است، و تحقیق، خود پایه ی پیشرفت علم است. وقتی نیروهای مسلح از درون خود، دانش و معرفت جوشیدند باید یقین کرد که استقلال، نه فقط یک اسم و ادعا، که یک واقعیت و تبلور است. من این پدیده را در نهاجا به وضوح می‌بینم. و از همه ی دست اندرکاران، از فرمانده نهاجا که اهل علم و تحقیق است، از جهاد خودکفایی که نخستین پرچم خودباوری را بلند کرده است و از یکایک کسانی که در این پیشرفت موثر بوده اند، تشکر می‌کنم. مهم این است که اولاً باور داشته باشید که حالا کار را آغاز کرده اید و نپندارید که کار را تمام کرده اید. ثانیاً باور داشته باشید که تا همه جا می‌شود پیش رفت. سیدعلی خامنه ای



پیش بینی امام خمینی (ره) از شهادت منصور ستاری



انگیز است، جاگمایی کلمه «منصور» در شعر امام(ره) درست زیر نام امضای منصور ستاری در نامه است. در آن بیت شعر آمده است: «فارغ از خود شدم و کوس انالحق بزدم/ همچو منصور خریدار سر دار شدم».

کنایه امام خمینی(ره) در این بیت از بر دار شدن حسین بن منصور حلاج، اشاره ای دارد بر سرنوشت عاشقانه مردن شهید منصور ستاری. شهید منصور ستاری چند سال بعد از این نامه، در آسمان ایران به ملکوت پیوست و به امام جماران، نزدیک تر شد.

«فارغ از خود شدم و کوس
انالحق بزدم/ همچو منصور
خریدار سر دار شدم».

در یکی از روزهای پاییزی و بارانی آبان ماه، آنگاه که سرلشگر منصور ستاری فرماندهی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران را برعهده داشت، کارت تبریکی به مناسبت ولادت باسعادت حضرت فاطمه زهرا(س) خطاب به امام خمینی(ره) رهبر و معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران نوشت.

مضمون آن نامه چنین بود:

«با نهایت مسرت، ولادت باسعادت بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه زهرا(س) را از طرف خود و کلیه پرسنل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به محضر مبارک آن حضرت تبریک و تهنیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال توفیق روزافزون مسلمین و سلامت و طول عمر آن امام بزرگوار را مسئلت می نمایم.»

اما حضرت امام خمینی، پس از رویت این کارت تبریک دست به قلم می شوند و در پاسخ به سرلشگر ستاری همان شعر معروفشان را با مطلع «من به خال لب ای دوست گرفتار شدم» را در پای همان نامه مرقوم می فرمایند. اما آنچه در این دستنوشته عجیب و در حین حال، شگفت

عکس نوشت

تبریک امام به سرلشگر ستاری

امام خمینی(ره) خطاب به سرلشگر منصور ستاری فرمانده نیروی هوایی ارتش به مناسبت سالگرد عملیات آفندی مرصاد پیام تبریکی فرستادند. در متن این حکم آمده است: «تیمسار سرتیپ ستاری فرمانده محترم نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و تیمسار سرتیپ دوم انصاری فرمانده هواپرواز ارتش جمهوری اسلامی ایران، خلبانان عزیز و قهرمان جمهوری اسلامی ایران و خلبانان دلیر و شجاع هواپرواز، به مناسبت سالگرد عملیات آفندی مرصاد؛ اینجانب از زحمات طاقت فرسای شما و تمامی افراد متعهد و دلسوزی

که به نحوی از انحا در آمادگی پروازها دست دارند تشکر می نمایم. شما در طول جنگ تحمیلی، به خصوص در شرایط حساس امروز، از رزمندگان صحنه های نبرد و میهن اسلامی مان با تمام توان دفاع نموده و می نمایید. شجاعت شما دل تمامی میهن دوستان و اسلام باوران را شاد کرده است. شما در صحنه های سخت کارزار به دشمنان میهن عزیزمان آموختید که دیگر خیال تعرض به کشورمان و مکتب حیات بخش هم میهنانمان را ننمایند. اینجانب دست یکایک شما را می فشارم، و از صمیم جان به شما دعا می کنم. خدا یار و نگهدارتن باد به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر کفر جهانی.»



نیم‌نگاهی به زندگی سرلشگر منصور ستاری



مرد هنرمند خدایی

می‌داشت و طی طریق‌های طولانی و چند ساعته اش را در مسیر مدرسه، با اشعار فردوسی بزرگ سر می‌کرد و بالندگی اش را به تنهایی و در بیابان و زیر آسمان خدا جشن می‌گرفت. همواره یکی از شاگردان ممتاز به شمار می‌رفت چرا که می‌دانست برای رسیدن به آنچه در رویاهایش می‌پروراند باید که اول باشد.

دوران جوانی

پس از دوره متوسطه و گرفتن مدرک دیپلم، در سال ۱۳۴۶ وارد دانشکده افسری شد. می‌دانست که برای پیروزی باید رسم مبارزه را بیاموزد و یک شاگرد اول درس خوان تنها بودن، به جایی که باید، نمی‌رساند. پس از پایان دوره دانشکده به درجه ستوان دومی نایل آمد. در سال ۱۳۵۰ برای طی دوره علمی کنترل رادار به کشور آمریکا اعزام شد و پس از گذراندن دوره یکساله، در سال ۱۳۵۱ به ایران بازگشت و به عنوان افسر کنترل شکاری نیروی هوایی مشغول به کار شد. آنجا دیده بود که ینگه دنیا چگونه بر دنیا مستولی شده است و حرف‌های بسیار برای گفتن دارد. او رمز این بزرگی را می‌دانست؛ تبدیل دانش به محصول. پس باید که دانش را هم در ابعاد والایش کسب می‌کرد.

در سال ۱۳۵۴ در کنکور سراسری شرکت کرد و در رشته برق و الکترونیک پذیرفته شد؛ دقیقاً همان چه که می‌خواست. تعدادی از واحدهای دانشگاهی را گذرانده بود که موسم انقلاب مردمی وزید. روح ناآرام اش با حضور در صف ملت، آرام شد. بعد از جنگ شد و منصور زمینه را برای بروز تفکرات و توانمندی‌هایش آماده تر دید. او تحصیل را نیمه کار رها کرد و تا توانست در مسیر خدمت، شبانه روز گام برداشت.

فصل عاشقی

او افسری مؤمن، متعهد، شجاع، آگاه،

«سراسر جهان پیش او خوار بود/جوامرد بود و وفادار بود» (فردوسی، شاهنامه، آغاز کتاب، بخش ۱۱، در داستان ابومنصور)
مردان خدا، دو گروه‌اند: گروه اول؛ آنان که آفتاب بزرگی شان در زمان حضورشان تابنده است و پس از رفتن شان پرنورتر می‌شود، گروه دوم؛ آنان که پس از کوچ شان از جهان، آفتاب وجودشان روشنایی می‌بخشد. اما بخشی از این دو گروه، انسان‌هایی هستند که چه جزو گروه اول باشند و چه دوم، به فضیلت شهادت نیز مجهزند: «شهادت، هنر مردان خداست».

از این رو، شهید بزرگوار ما؛ امیر سرلشگر منصور ستاری، در میان هر یک از گروه مردان خدا باشد، باشد. او اکنون، خود تاریخ این مملکت است. خود آسمان گسترده این سرزمین است. منصور ستاری؛ خود ایران است. بر همین موط، نام اش را که هر ایرانی می‌شنود، به احترام اش کلاه از سر بر می‌دارد؛ به فکر فرو می‌رود؛ چشمانش برق می‌زند؛ افتخار می‌کند.

منصور ستاری متولد ۱۳۲۷ است. جایی به نام روستای ولی آباد ورامین. این روستا با درایت پدرش، مرحوم حاج حسن قد علم کرده بود در دل کویر و نمونه ای از یک جامعه مستقل و پیشرو را تجربه می‌کرد. چنین بود که منصور به مشی پدر، استقلال را ملکه ذهن قرار داده بود و هر چه رشد می‌کرد، آرمان‌هایش نیز گسترده و عملی تر می‌شدند. پدر، شاعر بود و در خلوت اش شعر می‌سرود اما در جلوت، کنار مردم و غمگسارشان بود و برای رفع مشکلات شان بی وقفه تلاش می‌کرد.

او دوران ابتدایی و متوسطه اش را همراه با دشواری‌های بسیار در همان حوالی سر کرد و با تمام وجود معنای ایستادگی و مقاومت در مقابل سختی‌ها را آموخت. شاهنامه را دوست

مردان خدا، دو گروه‌اند:

گروه اول؛ آنان که آفتاب

بزرگی شان در زمان

حضورشان تابنده است و

پس از رفتن شان پرنورتر

می‌شود، گروه دوم؛ آنان که

پس از کوچ شان از جهان،

آفتاب وجودشان روشنایی

می‌بخشد. اما بخشی از این

دو گروه، انسان‌هایی هستند

که چه جزو گروه اول باشند

و چه دوم، به فضیلت شهادت

نیز مجهزند: «شهادت، هنر

مردان خداست».



و دریافت سفارش به منظور رفع نیازمندیهای دولتی، نظامی و خصوصی.

او منطقی ترین راه را برای کاهش اثرات محدودیت اعتباری و روبرویی با شرایط پس از جنگ انتخاب کرد و آن خودکفایی هرچه بیشتر نیروی هوایی بود. بدینوسیله علاوه بر آنکه از خروج اعتبارات نیروی هوایی جلوگیری می‌کرد توان تولیدی و خدماتی را افزایش داده و درآمدهای حاصل از این قبیل فعالیت‌ها را همواره تحت کنترل و نظارت دقیق قرارداد که به عنوان پشتوانه ای برای اجرای برنامه‌های سازندگی مورد بهره برداری قرار گرفت.

شهیدستاری با کمک فرماندهان و پرسنل عزیز نیروی هوایی و پدافند کشور پروژه‌های بلندمدت را طراحی کرد که یکی پس از دیگری جامه عمل می‌پوشد. یکی از این پروژه‌ها بعد از شهادت ایشان هواپیمای جنگی آذرخش بود که با حضور رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۷۶ به پرواز درآمد.

موسم سفر

منصور ما، در نوشتن و ترجمه و کتابت هم دستی توانا داشت و مقالات علمی زیادی می‌نوشت. از آنجا که نمی‌خواست نام اش زیاد تکرار شود و روحیه خودشیفتگی در او ایجاد کند، گاهی از نام مستعار استفاده می‌کرد: «سورنا». سورنا نام فرزند برومندش بود که امروز یکی از نخبگان کشور است که در سمت معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری خدمت می‌کند و کارنامه شکوفا و جاودانه منصور را کامل کرده است.

مقام معظم رهبری پاییز ۱۳۹۳، در دیدار نخبگان جوان که با حضور فرزند آن شهید به عنوان معاون علمی و فناوری رییس جمهوری و رییس بنیاد ملی نخبگان برگزار شد و وی گزارشی درباره فعالیت‌های این بنیاد به محضر ایشان ارائه کرده بود، می‌فرمایند: «از بیانات آقای ستاری هم حقیقتاً من لذت بردم. خود ایشان هم نخبه است، پدر شهید ایشان هم - شهید منصور ستاری - حقیقتاً یک نخبه بود؛ هم از لحاظ فکری، ذهنی، علمی و عملیاتی، هم از لحاظ انگیزه و ایمان و حضور در عرصه‌های دشوار. خداوند ان شاءالله شهید ستاری عزیزمان را با اولیانش محشور کند؛ به ایشان هم توفیق بدهد.» امیرسرلشگر شهید منصور ستاری در ۱۵ دی ۱۳۷۳ در سانحه سقوط هواپیما در نزدیکی فرودگاه اصفهان به همراه تعدادی از افسران بلندپایه نیروی هوایی و همزمان اش به درجه رفیع شهادت نائل آمد. یادش مانا.

نیروی هوایی.

- توجه به آموزش کارا (حین خدمت) و آموزش پرسنل رده میانی.
- ایجاد هنرستان کار و دانش - فنی و حرفه ای درمرکز آموزشهای هوایی و اجرای برنامه‌های آموزش و پرورش برای افرادی که حداکثر با سن شانزده سال به استخدام نهاجا درآمده بودند
- ایجاد شبکه دیده بانی به منظور تقویت سیستم پدافندی کشور - ایجاد شبکه دیده بانی بصری - ایجاد موانع هوایی بر فراز دره‌ها، گذرگاهها و ارتفاعات و...

او به واقع معماری آینده‌نگر، خلاق و نوآور برای سیستم پدافند هوایی کشور بود که با راه‌اندازی تأسیسات و امکانات جدید تعمیر و نگهداری و نیز اجرای پروژه‌هایی نظیر پروژه اوج و نیز راه اندازی مرکز پژوهش، تحقیقات و آموزش (پتا) توان نگهداری نیرو را تقویت و به چندین برابر قدرت قبلی ارتقاداد. این مهم برای کشوری که پایه‌های صنعتی اش تقریباً ضعیف بود کاری شگرف می‌باشد.

ایجاد مؤسسات فنی و صنعتی پیشرفته برای آموزش پروازی مرحله مقدماتی دانشجویان خلبانی با کمک مهندسین و متخصصین نهاجا با ساخت هواپیمای پرستو. این هواپیما از نظر امکانات عملیاتی تقریباً شبیه هواپیمای بونانزای ساخت آمریکا است.

مهم ترین فعالیت‌ها

یکی از مهمترین فعالیت‌های ستاری طی سالهای ۶۶ تا پایان جنگ تحمیلی، اسکورت ناوگان تجاری کشتی‌های نفتکش ایران در خلیج فارس و دریای عمان تا خروج آنها بود. نگهداری مجتمع پتروشیمی بندر امام، حفاظت از میدان گازی کنگان و مواردی نظیر اینها یادآور اقدامات و جانفشانی‌های عقابان تیزپرواز و پرسنل پدافندی نیروی هوایی تحت فرماندهی و مدیریت این بزرگوار همیشه به یادماندنی است.

طراحی و ساخت خودرو شمس، ایجاد خطوط هوایی ساها (سازمان هواپیمایی ارتش جمهوری اسلامی ایران) شرکت در پروژه‌های دولتی در راستای امور مهندسی و تأسیساتی، افزایش کارایی و استخراج از معادن تحت پوشش از قبیل نمک سمنان که نیازمندیهای صنایع نفتی و پتروشیمی کشور را مرتفع و پشتیبانی می‌کند، از دیاد بازده صنایع فلزی (ریخته گری - تراش و...)

تیزهوش و کاردان بود. طرح‌ها، نوآوری‌ها و ابتکارهای زیادی در تجهیز سیستم‌های راداری، پدافندی به اجرا گذاشت که در طول جنگ تحمیلی توان دفاعی نیروی هوایی را در سرنگونی هواپیماهای متجاوز دشمن دو چندان کرد. روحیه استقلال خواهی و آرمان سرفرازی سرزمین اش، آنچنان او را توانمند و کوشا کرده بود که به دلیل فعالیتهای بیش از حدی که در اجرای طرح‌های جنگی از خود نشان داد، در سال ۱۳۶۲ به سمت معاون عملیات فرماندهی پدافند نیروی هوایی منصوب شد.

طرح‌ها و برنامه‌هایی که ستاری ارائه می‌داد بسیار منطقی، عملی، کاربردی و مؤثر بود. از این رو در سال ۱۳۶۴ به عنوان معاونت طرح و برنامه نیروی هوایی برگزیده شد و به علت لیاقت و کاردانی و شایستگی که از خود نشان داد، در بهمن ماه سال ۱۳۶۵ با درجه سرهنگی به سمت فرماندهی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران منصوب شد و تا هنگام شهادت عهده دار این مسئولیت بود.

در عملیات خیبر وقتی در محاصره همباران شیمیایی او ماسک خود را تقدیم به پیرمردی که راننده لودر بود کرد راه همه به یاد دارند. برائت این اقدام وی تا زمان شهادت از شامه بویایی بی بهره شده بود و تا پایان عمر این موضوع را مخفی می‌کرد.

رکن اقدامات

- ۱- طرح و برنامه صحیح از ابتدای فرماندهی همراه با آینده نگری هرچه ژرف تر.
- ۲- سازماندهی نیروی انسانی متعهد و کارا، مستعد و مبتکر و بیش از همه خوداتکا و خودباور در پروژه‌های توسعه پیشرفت.
- ۳- تأمین وسایل و تجهیزات با بهره گیری حداکثر از منافع موجود داخلی و با تکیه بر اهداف خودکفایی کشور.
- ۴- اعمال مدیریت پویا و متکی بر روابط انسانی و ایجاد محیطی هرچه مناسب تر برای تشریک مساعی همگانی.

برخی از اقدامات مهم و بنیادین

- تأسیس دانشکده پرواز (خلبانی)
- تأسیس دانشگاه هوافضا با ۸ گرایش تحصیلی و مبتنی بر برنامه‌های آموزشی - مجموعه‌های کارشناسی و مصوبات وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- تأسیس دانشکده پرستاری و راه اندازی مرکز تحقیقات و آموزش پزشکی (پاتولوژی)



ستاری در بیان رهبر فرزانه انقلاب

مدیر شجاع و مبتکر

داشتند. شکرگزاری از شهید ستاری، همین را اقتضا می کند که این دانشگاه به نام آن شهید نامگذاری شود.» معظم له همچنین درباره ویژگی های شهید ستاری بیان داشته اند: «شهید ستاری در میدان های جنگ، بارها تا مرز شهادت پیش رفت و پیوسته در طلب شهادت بود. او شب و روز نمی شناخت و تمامی لحظات زندگی خود را وقف خدمت به اسلام و نظام اسلامی کرده بود»

مقام معظم رهبری در دیداری که با فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در تاریخ نوزدهم بهمن ۱۳۷۳ انجام داد ضمن گرامی داشت یاد شهید ستاری بیان فرمودند: «من در آن هنگام که عملیات والفجر ۸ و کربلای ۵ جریان داشت، با خبر شدم که شهید ستاری، گاهی در ۲۴ ساعت اصلا نمی خوابید. دلیل استراحت نکردن او این بود که هم باید مراقبت میکرد و هم می توانست وسایل پدافند را که دشمن با ابزارهایی سامان داده بود، شناسایی و منهدم کند. همچنین او می بایست تجهیزات خودی را برای جلوگیری از شناسایی دشمن، به فوریت جابهجا میکرد. با این وضعیت، دیگر فرصت خواب پیدا نمی کرد، آن هم در جایی که هماران دشمن دائمی بود. این همان استقامت است...»

در بخشی دیگر از فرمایشات معظم له در تاریخ ۱۹ بهمن ۱۳۷۹ و در دیدار با کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش، شهید ستاری این گونه توصیف می شود: «هزاران ساعت پرواز افتخارآمیز در پرونده نیروی هوایی ثبت است. ساخت وسایل زمینی - رادارها و وسایل هدایت شونده زمینی - و به کارگیری بسیار دشوار و پیچیده آنها جزو افتخارات نیروی هوایی است، که شهید ستاری قبل از آن که فرمانده نیروی هوایی شود، یکی از قهرمانهای این میدان بود. او و بسیاری دیگر که امروز در بین شما هستند و من آنها را می شناسم، از همان زمان و بعد از آن زمان، در داخل جبهه ها لحظه به لحظه مشغول تحرک و فعالیت جانگاہ، اما شیرین برای یک انسان متعهد بودند. این افتخارات هم در پرونده نیروی هوایی ما هست.» در ادامه مقام معظم رهبری به زندگی سراسر زهد و تقوای شهید ستاری و دستیارانش در دوران فرماندهی نیروی هوایی اشاره کردند و فرمودند: «این سرداران شهید با وجود آن که مورد اعتماد و اطمینان بودند و پول زیادی نیز در اختیار آنها قرار داشت، در زمان حیات خود به طور عمد، زندگی ساده و بی آلاچی را می گذراندند و توانستند با فائق آمدن بر لذات مادی و تمایلات نفسانی، راه کسب افتخار را برای خود و نیروی هوایی هموار کنند و این پدیده های بسیار شگفت انگیز و بزرگ در دنیای امروز محسوب می شود.»

در بین اظهار نظرهای مختلف در خصوص شهید ستاری، بهترین قضاوت و اظهار نظر از جانب مقام معظم رهبری و فرمانده کل قوا بیان شده است. پس از شهادت شهید ستاری و در هنگام انتصاب سرتیپ بقایی به سمت فرماندهی نیروی هوایی شهید ستاری و خدمات وی این چنین توصیف شدند: «نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در دوران پانزده ساله ای اخیر و بویژه در طول جنگ تحمیلی افتخارات بی شماری در دفاع از انقلاب کبیر و میهن عزیز خود به دست آورده و بحق، درخشیده است. نقش شهدای بزرگوار نیروی هوایی در پیشرفت همه جانبه ای این نیرو و فداکاریها و ایثارگریهای آن بسی



آشکار و تعیین کننده است، و در این میان تأثیر مدیریت شجاعانه و مبتکرانه و سرشار از تلاش و پیگیری شهید عزیز سرلشکر منصور ستاری انکار ناپذیر است.» حدود یک سال بعد و در تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۷۴، فرماندهی معزز کل قوا در مراسم صبحگاه نیروی هوایی مجدداً از شهید ستاری یاد می کند: «خدا را شکر می کنیم که زحمات افسران رشید نیروی هوایی، ثمرات شیرین خود را بتدریج نشان می دهد. این جمع دانشجویان و فارغ التحصیلان و این نظام معنوی و پیشرفتهای علمی، نظامی، اخلاقی و دینی، هر کدام، مزده ای برای ملت ایران است. رحمت خدا بر کسانی که در راه پدید آوردن چنین وضعی، سالهایی را با تلاش و کوشش مجاهدت آمیز گذرانیدند و به شهادت رسیدند. رحمت خدا بر شهید «ستاری»، شهید «بابایی»، شهید «اردستانی» و دیگر شهدای عزیزی که هر کدام در پدید آوردن این وضعیت مطلوب - که مایه روشنی چشم هر بیننده است - سهم وافری

«شهید ستاری در میدان های جنگ، بارها تا مرز شهادت پیش رفت و پیوسته در طلب شهادت بود. او شب و روز نمی شناخت و تمامی لحظات زندگی خود را وقف خدمت به اسلام و نظام اسلامی کرده بود»





تجلیل رییس جمهوری از ابتکار عمل خیرهکننده شهید ستاری

ادامه داد: آنها سیستمهایی را در زمان جنگ آورده بودند که روی هواپیمای سوخو و میراژ، موشکهای ضدراداری بسته بودند و ۲ سال ما را گرفتار کرده بودند. یعنی تا وقتی ما سیستم را روشن می‌کردیم با موشک رادار ما را می‌زدند، از ۶۰ کیلومتری موشک را پرتاب می‌کردند و مستقیم به رادار ما برخورد می‌کرد و نمی‌توانستیم کاری کنیم. سیستم دفاعی موشک ما بایستی با رادار هدایت می‌شد. در همین حال همین دانشگاه یعنی دانشگاه تهران، شریف و غیره و همین متخصصان و افسران لایق شهید ستاری‌ها و بابایی‌ها، شاید حدود ۲ تا ۳ ماه هر شب جلسه داشتیم که البته نوارهایش وجود دارد



و می‌شود در آینده این نوارها را پیاده و پخش کرد، در این جلسات به این موضوع پرداختیم که در برابر این موشک‌ها چه کاری انجام بدهیم، همه ۳ ماه بر روی این موضوع کار کردیم و به یک نتیجه رسیدیم. وی یادآور شد: البته مطمئن نبودیم که آیا این راهکار نتیجه می‌دهد یا خیر، این راهکار را در عملیات والفجر ۸ امتحان کردیم. می‌دانید که در عملیات والفجر ۸ بیشترین هواپیماهای عراقی را ساقط کردیم یعنی ۷۳ فروند هواپیمای عراقی تا اواخر فروردین زدیم و هیچ یک از موشکهای ضدتشعشع ضدراداری کارساز نشد تا جایی که آمریکایی‌ها و شوروی سابق اعلام کردند که یک کشور خارجی به کمک ایران آمده است که آنوقت شایعه کرده بودند چینی‌ها یک سیستمی را آورده‌اند در حالی که هیچ کشوری به ما کمک نکرد.

روحانی در ادامه سخنان خود با طرح این سؤال که در این مقطع از جنگ چه کسی به ما کمک کرد؟ گفت: دانشجویان، اساتید، متخصصین، صاحب‌نظران تلاش و کوشش و امیدمان به آینده به ما کمک کردند تا در این راه موفق شویم، در این زمینه همه دست به دست هم دادیم و توانستیم در جنگ موفقیت به دست آوریم و دنیا را به شکست بکشانیم. بسیج قهرمان و سپاه دلاور، ارتش قدرتمند، نیروی انتظامی و عشایر و مردم همه در کنار هم آمدند. از دانش‌آموز گرفته تا دانشجو، همه مردم آمدند و ما توانستیم آن پیروزی را به دست آوریم.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی رییس جمهوری کشورمان در مراسم گرامی‌داشت ۱۶ آذر ۱۳۹۵ با حضور در دانشگاه تهران طی سخنانی از ابتکار عمل خیره‌کننده شهید ستاری در دوران دفاع مقدس تجلیل کرد.

وی در سخنانی ابراز کرد: درود و سلام بر همه عزیزان ما شهید همت‌ها، شهید باقری‌ها، شهید زینالدین‌ها، شهید ستاری‌ها، شهید باقری‌ها و شهید صیاد شیرازی‌ها و همه شهیدانی که از دانشگاه و دانشگاه تهران در جبهه‌های مبارزه ایستادگی کردند.

وی همچنین تاکید کرد: آمریکا نمی‌تواند در اراده ما تاثیرگذار باشد، آمریکا نمی‌تواند در استقامت و ایستادگی این ملت تاثیرگذار باشد. مگر در جنگ تحمیلی توانستند؟ در جنگ تحمیلی همه آمدند و پشت سر علفی‌ها حضور یافتند. شرق و غرب و اروپا، آمریکا و شوروی سابق پشت او حاضر شد و همچنین کشورهای مرتجع منطقه هم آمدند مگر وسط جنگ به صدام میگ ۲۵، هواپیمای مختلف غربی و شرقی ندادند، مگر میراژ F۱ در وسط جنگ به عراق ندادند؟ همچنین تمام ابزار و سلاح‌های شیمیایی را از همین اروپا در اختیار صدام قرار نگرفت، در واقع دنیایی در برابر ما ایستاد، چطور ما موفق شدیم؟ ما دست به دست هم دادیم. بنابراین در اجماع است که در برابر توطئه‌های عظیم و بزرگ به پیروزی می‌رسیم.

رئیس‌جمهوری همچنین با اشاره به نوآوری‌ها و خلاقیت‌های فرماندهان دوران دفاع مقدس

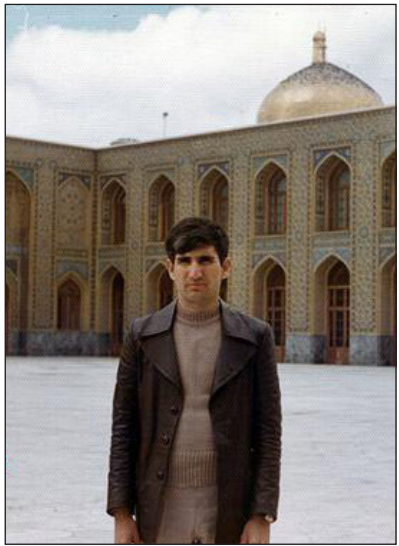
هیچ کشوری به ما کمک نکرد



منصور ستاری در خاطره عکسها



منصور ستاری با فرمانده کل قوا



منصور ستاری جوان در بارگاه ملکوتی امام هشتم



دوران تحصیل در اروپا و آمریکا



ارزیابی ستاری از تجهیزات نظامی در دوران جنگ





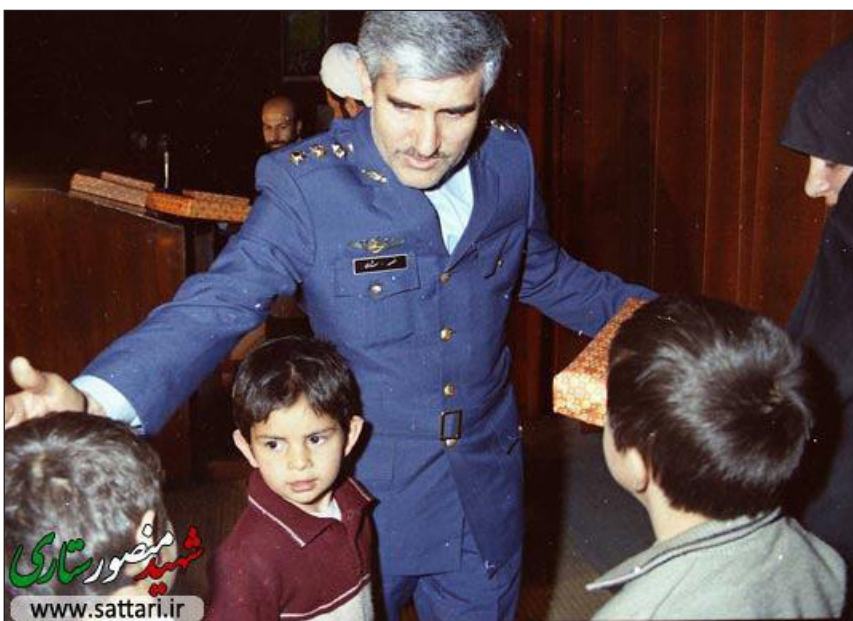
مراسم تشییع ستاری و یازده یار



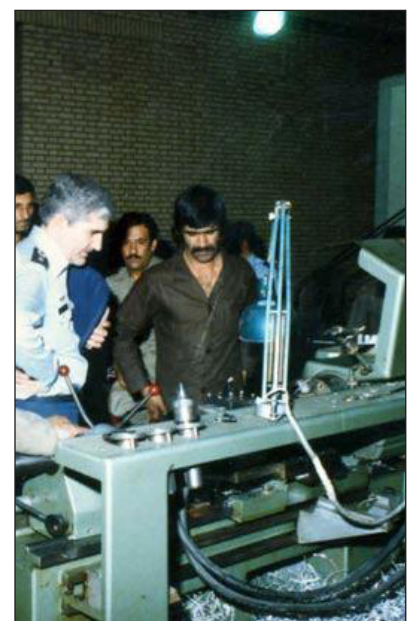
دیدار منصور ستاری با هیئت‌های خارجی



ستاری و هم‌زمان و یاران



دیدار با خانواده‌های محروم



بازدید از مراکز فنی - مهندسی



پدر نابغه از نگاه پسرى كه اين روزها تلاش مى كند نبوغ ايرانى را به محصول ايرانى تبديل كند

تبديل جهادى دانش به عمل

«زمانى كه شهيد عباس دوران دوره اش را در آمريكا مى گذراند، به عنوان بهترين خلبان فانتوم دنيا شناخته شده بود. اما چه شد كه اينگونه رفتار كرد؟ قطعا نخبه بودن فقط به داشتن علم و دانش نيست. مواردى مانند ايمان، اعتماد به نفس، خلوص، از خودگذشتگى و از همه مهم تر اينكه ياد بگيريم كه بايد براى احساسات مان هزينه پرداخت كنيم. فقط با حرف نمى شود.» اينها صحبت هاى سورا ستارى فرزند شهيد سرلشگر منصور ستارى است كه اين روزها در مقام معاون علمى و فناورى رييس جمهورى به كشور خدمت مى كند و سخنان بالا را در محضر مقام معظم رهبرى و در جمع نخبگان بيان كرده است.

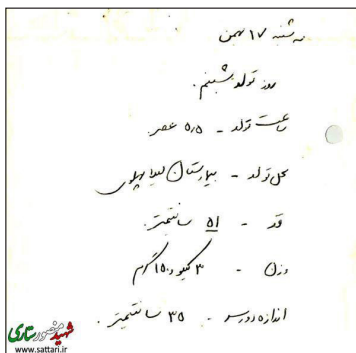
اما در بخشى از نوشته هاى به جا مانده از شهيد ستارى اينگونه مى خوانيم: «اگر كسى در جمهورى اسلامى ايران بخواهد مسؤليت داشته باشد، نبايد نازپرورده باشد. ... در برابر دنيايى كه روبه روى ما قد علم كرده، بايد قوى بود؛ اراده بايد قوى باشد

و جوان ها بايد از پيرها بياموزند و كار بفهمند. اين جمهورى اسلامى ... كه آدم معمولى نمى تواند از پس آن بريابد، واى به اينكه آدمى در لاي زرورق هم بزرگ شده باشد! در سختى و رنج بزرگ شدن، براى سيستم مديريتى كشور بسيار مفيد است.»

سورنا ستارى هم درباره پدر چنين گفته است: چيزى كه پدرم را از ديگران متمايز كرده، دانشى است كه آن را به مرحله عمل رسانده بودند و آن را در عملياتهاى همچون والفجر هشت به كار گرفته بودند. اگر پاي صحبت كسانى كه در عمليات والفجر هشت شركت داشتند بنشينيد، مى بينيد كه با چه دانشى و با چه اميدى توانستند به همزمانشان كمك كنند. همهديدند كه ايشان چطور هر سايت هاوك را به چند قسمت تقسيم كردند و مديريت كردند و مى توان گفت عمليات والفجر هشت نقطه عطفى در تاريخ كشور بود و اين ممكن نبود مگر تسلط كامل بر كار و دانشى كه به مرحله عمل رسيده باشد. معاون علمى و فناورى رييس جمهورى در بخش ديگرى از خاطرات اش، به ياد مى آورد كه «ديدگاه پدرم به آينده كاملاً روشن بود. خيلى از مسائلى را كه ايشان بيان مى كردند بعد از چند سال نتيجه آن مشخص مى شد.» و امروز خوشبختانه با تلاش فرزند شهيد ستارى و همكاران اش در معاونت علمى و فناورى رياست جمهورى، در آستانه ثبت ۳ هزار شركت دانش بنيان در كشور هستيم كه با توجه اهميت اين شركت ها در پيشبرد اهداف اقتصاد دانش بنيان و اقتصاد مقاومتى، به زودى مردم ايران حلاوت دستاوردها و توانمندی هاى متخصصان و فناوران كشور را خواهد چشيد.



عكس نوشت



را سپاس مى گويم كه با لطف و مرحمت بى پايانش تو را / سالم، پاك و بى هيچ آلايشى / به ما عطا كرد. / كمر به تربيتت مى بنديم: به اميد آنكه؛ / پاكي و بى آلايشى شبنم صبح هيچ گاه وجود عزيزت را ترك نكنند. / دست خداى در وادى زندگى همواره نگاهبان ت باد.»

منصور ستارى، تا ۱۵ دى ۱۳۷۳ همچنان عاشق ماند و با رشادت هايش، از عشق هاى اين سرزمين دفاع كرد. و آنگاه عاشقانه رفت. حالا اما، نخستين فرزندش به عنوان پزشك زنان و زايمان، واسطه به دنيا آوردن عشق هاى زيادى در اين مرز و بوم است.

پدرانگى منصور

پدرها دو بار عاشق مى شوند؛ بار دومش، وقتى است كه پدر مى شوند. فرقى ندارد كه فرزندشان دختر باشد يا پسر. دوباره عاشق شدن شان، رد خور ندارد. عاشق كه مى شوند، شاعر مى شوند. فرقى ندارد كه شاعر باشند يا كارمند باشند يا كارگر باشند يا نظامى.

منصور ستارى هم وقتى جوان بود، وقتى ۲۲ ساله بود، وقتى نظامى شده بود، براى بار دوم، عاشق شد. پدر شد. آنگاه شاعرتر شد: «سه شنبه ۱۷ بهمن / روز تولد شبنم، / ساعت تولد - ۵/۵ عصر. / محل تولد - بيمارستان ليلا پهلوى. / قد - ۵۱ سانتيمتر. / وزن - ۳ كيلو و ۱۵۰ گرم. / اندازه دور سر - ۳۵ سانتيمتر.» اينها اطلاعات نوزادى است كه در سال ۱۳۴۹ تازه چشم به اين دنيا باز كرده بود. اما براى «منصور» اين سطرها، عاشقانه ترين شعرها بود. عظمت دنيايى كوچك شده در وجود يك «شبنم».

منصور ستارى ۲۶ روز بعد، دوباره لاي دفتر خاطراتش را باز كرد و سرود: «پنجشنبه ۱۳ اسفند / نور چشمان: تو را شبنم نام نهاديم. / و خداى



خلبان رستمی هم‌رمز دیرین شهید ستاری از زوایای ناگفته زندگی فرمانده اش می گوید

ما مرگ را شکست دادیم

عملیات نیروی هوایی به انجام می‌رسد را احاطه می‌کند و با اشراف کامل بر اطلاعات کلی در عملیات‌های متفاوت همانند خلبان‌های شکاری در انجام مأموریت‌های برون‌مرزی استفاده می‌شوند. بنابراین شهید ستاری، گر چه خود پرواز را بسیار دوست می‌داشت و گاهی نیز خود پرواز می‌کرد، اما معمولاً ایشان با توجه به تخصصشان بیشتر روی زمین بود و البته آسمان را هم با نبوغی که داشتند در کنترل خود در می‌آوردند.

در همان یک پرواز، در آسمان چه حسی از شهید ستاری برای شما جالب بود؟

برای شهید ستاری به آسمان رفتن از زمین کندن بود و در قاموس او هر پا فاصله گرفتن از زمین، یک عمر نزدیک شدن به خدا معنی داشت. علاقه این مرد آسمانی به پرواز آن‌چنان بود که در حین پرواز حس مثبت کاملاً در چهره‌شان مشخص می‌شد.

از آن جا که شهید ستاری نگاه فرا فیزیکی به آسمان داشت، از نظر شما نگاه ایشان

قرمان ساعت ۱۱ صبح در یکی از ساختمان‌های بلند اطراف میدان ونک بود. به دفترش که رسیدم، تعداد زیادی جمع‌پرشور و چاپک تحصیلکرده، دوره اش کرده بودند. درباره برگزاری یک رویداد بین‌المللی در حوزه هوایی، داشتند برنامه ریزی می‌کردند. این صحنه، صحبت‌های بعدش را که تاکید داشت جوانان امروز، می‌توانند شرایط کشور را به سامان کنند، همخوانی داشت. خلبان شهرام رستمی علاوه بر آنکه یکی از خلبانان تراز اول تامکت و از اعجوبه‌های دوره جنگ است که توانسته چند هواپیمای رادارگریز عراقی از جمله میگ ۲۵ را شکار کند، مدتی معاون فرمانده نیروی هوایی ارتش بود. و پس از شهادت سرلشگر ستاری چندماه‌ای عهده‌دار سرپرستی نیروی هوایی ارتش را برعهده داشت او بی شک حرف‌های بسیاری از شهید ستاری داشت، بسیاری از آنها ماهیت نظامی و فنی داشت، اما در گفت‌وگوی حاضر گوشه‌هایی از خلیقیات و روحیات سرلشگر منصور ستاری فرمانده شهید نیروی هوایی و از نوای پدافند هوایی، بیان شد که شنیدنش، بی شک به شناخت بهتر آن شهید بزرگوار مدد خواهد رساند.

جناب تیمسار رستمی! دوستی شما با شهید منصور ستاری از کجا شروع شد؟

بنده در زمان بعد از انقلاب اسلامی به سمت معاونت طرح و برنامه در نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران مشغول به کار شدم و در طی همکاری خود در معاونت عملیات شهید بابایی افتخار آشنایی با ایشان را داشتم که در پی این فعالیت، همکاری ما تبدیل به یک رابطه دوستانه و البته صمیمی شد.

آیا تاکنون تجربه پرواز با ایشان را داشته‌اید؟

از نظر من در پدافند بالاترین نقطه آگاهی که از نیروی هوایی می‌توان داشت به همان (فایت کنترلرها) برمی‌گردد به این دلیل که آنها ضمن بهره‌مندی از اطلاعات هواپیمای شکاری و همچنین اطلاعات سایت‌های زمینی می‌توانند با ارزیابی و پیش‌بینی بردهای مختلف در طی عملیات در برخورد با دشمن موفق‌تر عمل کنند. و این در صورتی است که فعالان سایت‌های موشکی تنها با دنبال کردن سوژر مورد نظر در تیررس محدوده موشک می‌توانند تیراندازی کنند.

تیمسار ستاری افسری مؤمن، متعهد و شجاع بود که با اجرای توان نیروی هوایی خود، یک جنگنده وفایت کنترلر مجرب در آن زمان به شمار می‌رفت. و بر نحوه به‌کارگیری از ابزار شکاری اشراف کامل داشت. بنده در سفر با هواپیمای F14 افتخار سفر با ایشان را داشتم.

فایت کنترلرها مجموعه کاری که در محدوده



شهید تیمسار منصور ستاری، در ماه رمضان با هم‌زمانش خلبان رستمی (وسط) و شهید یاسینی روزه می‌گشاید.

در تجربه کاری وی بیشتر مشخص می‌شد یا علاقه‌مندی‌شان به آسمان؟

تیمسار شهید ستاری فرمانده ای مبتکر و خلاق، از شخصیت‌های بارز و کم‌نظیر انقلاب است و ی با دیدگاه فلسفی و خردمندانه مخصوص به خود زندگی را می‌گذراند.

اخلاق و رفتار و منش شهید ستاری به‌گونه‌ای بود که حکم پدر برای بقیه داشت، همه احساس می‌کردند که ایشان مثل پدر همه‌ی ما هستند. بسیار خوش‌اخلاق، خوش‌برخورد و مهربان و از همه مهم‌تر صبور بودند. البته در مواقعی که با کم‌توجهی در حوزه کار مواجه می‌شدند به دلیل دلسوزی و عرق ملی که داشتند بسیار اندوهگین می‌شدند و ممکن بود حتی با خطاکاران برخورد کنند.

نگاه ایشان در آسمان و بر روی زمین مبتکرانه

برای شهید ستاری به آسمان

رفتن از زمین کندن بود و در

قاموس او هر پا فاصله گرفتن از

زمین، یک عمر نزدیک شدن به

خدا معنی داشت. علاقه این مرد

آسمانی به پرواز آن‌چنان بود که

در حین پرواز حس مثبت کاملاً

در چهره‌شان مشخص می‌شد.





در اصفهان مکالمه تلفنی داشتیم.

۱۵ دی ماه ۱۳۷۳ یکی از تلخ‌ترین روزها برای نیروی هوایی ارتش است. هواپیمای حامل جمعی از فرماندهان این نیرو که برای بازدید به پایگاه اصفهان رفته بودند در هنگام بازگشت و در دقایق ابتدایی پرواز دچار سانحه شد و پس از برخورد با زمین آتش می‌گیرد تا نیروی هوایی مؤثرترین فرمانده تاریخ خود را به همراه جمعی از معاونینش از دست بدهد.

می‌خواستم نظر شما را هم به عنوان کسی

که پروازهای زیادی داشتید و در هر کدام با خطرناک بسیار بالایی روبرو بودید، در این باره بدانم که دیدگاه شهید ستاری به مرگ با توجه به مشکلات و خطرات زیادی که در کار برایشان وجود داشت، چگونه بود؟

وقتی که آدم از زمین کنده می‌شود و به اوج پرواز می‌کند هیچ‌وقت فکر این‌که ممکن است بازگشتی از این فراز نداشته باشد در سر راه نمی‌دهد چراکه تفکر به مرگ در انجام مأموریت خلل ایجاد می‌کند انسان‌های آسمانی اوج را نقطه شروع موفقیت‌های خود می‌دانند نه پایان یک آغاز پر امید. شهید ستاری تا آنجا که من از ایشان شناخت داشتم، هیچ‌گاه به مرگ فکر نمی‌کرد. او همیشه به زندگی می‌اندیشید. به ساختن. به متعالی شدن. ایشان وقتی می‌دید که می‌تواند با حضور خودش، برای کشورش مثمر ثمر باشد و کاری مثبت انجام دهد، نباید ذهنش را به مرگ مشغول کند. او به زندگی فکر می‌کرد، زندگی می‌کرد و زندگی می‌ساخت. در واقع آدم‌هایی مثل شهید ستاری و کسانی که برای حفاظت از سربلندی میهنشان با مرگ دست و پنجه کرده‌اند و می‌کنند، در حقیقت مرگ را شکست داده‌اند. بله؛ ما مرگ را شکست دادیم.

فراز و نشیب‌های پرواز در زندگی شخصی

ایشان چه تاثیری داشت و آیا تا به حال چشم‌های اشک‌آلود ایشان را دیده‌اید؟

بگذارید مثالی بزنم در تجربه پرواز و رصد زمین در هنگام اوج، تمام زمین به یک‌باره تبدیل به ذره‌ای کوچک می‌شود و این ذره کوچک همان مشکلات است که بر روی زمین جا گذاشته‌ایم و تنها به یک چیز فکر می‌کنیم آن‌هم موفقیت و بالندگی در پهنای آسمان است.

شهید سرلشکر ستاری با شخصیت صبور و آرامی که داشتند هیچ‌گاه اتفاق بد و ناملاپمات روزگار نتوانست ایشان را شکست دهد بلکه این پستی و بلندی‌ها را پله‌ای برای صعودش انتخاب می‌کرد تا بتواند بیش از پیش به موفقیت دست یابد. وی در زمان جنگ در روارویی با سوانح تلخ

و خلاقانه بود به طوری که حتی در کلاس درس و برخورد با دانشجویان خود با تشبیه اجزاء و تجهیزات هواپیما به تک‌تک اعضای بدن سعی بر آسان‌سازی درک دانشجویان بر نگاه آسمانی داشت.

گپ‌ها و صحبت‌های دوستانه شما و شهید

ستاری بر پایه چه موضوعاتی بود؟

تیمسار ستاری به علت فعالیت‌های پیش‌ازحدی که در اجرای طرح‌های جنگی از خود نشان دادند به سمت معاون عملیات فرماندهی پدافند نیروی هوایی منصوب شدند.

شهید ستاری که به‌واقع معماری آینده‌نگر برای سیستم پدافند هوایی کشور بود. با راه‌اندازی تاسیسات و امکانات جدید تعمیر و نگهداری و نیز اجرای پروژه‌هایی نظیر پروژه اوج توان نگهداری نیرو را تقویت و به چندین برابر قدرت قبلی ارتقاء داد.

برخورد ایشان تنها به بالا دست‌ها محدود نمی‌شد بلکه سعی داشتند با معاشرت و هم‌صحبتی با سطوح میانی و پایین و سرکشی به پروژه‌ها و هم‌صحبتی با متخصصین در حال کار به شناسایی مشکلات بپردازند.

در دست نوشته‌های شهید ستاری کمتر نشانه

ای از روحیه جنگندگی و نظامی مشاهده می‌شود و نگاه وی بیشتر در عشق، زندگی، ساختن و فردای بهتر متبلور است. نظر شما در این خصوص چگونه است؟

شهید ستاری همیشه توصیه‌شان به دوست‌داران کشور این بود که باید متکی به نیرو و توانمندی‌های خودمان باشیم و در این صورت است که می‌توانیم موفق عمل کنیم.

وی با فراهم‌سازی نیازات جوانان در ازدواج و در اختیار قرار دادن امکانات و پیشنهادها شغلی سعی بر فراهم‌سازی امکانات اولیه زندگی برای آنها می‌شد. که این اقدام همان ریشه بر مثال همیشگی وی بر استفاده از توانمندی‌های داخلی داشت، تا با محول کردن صفر تا صد کار به نیروی جوان در داخل کشور از ذهن خلاق آنها در جهت رشد مرز و بوم کشورش گام بردارد. به هر حال ایشان به فکر ساختن و آباد کردن بود.

آخرین دیدار یا صحبت تلفنی تان با ایشان

چطور گذشت؟

و اما آخرین صحبت درست برمی‌گردد به زمانی که قرار بود تعدادی از هواپیماها در پایگاه اصفهان تعمیر و مجدد راه‌اندازی شوند هواپیمای تیمسار ستاری و همراهانش به مقصد اصفهان حرکت می‌کند و ساعتی بعد، فرمانده پایگاه هوایی اصفهان در فرودگاه به استقبال فرماندهان بلند پایه این نیرو می‌آید. و من با ایشان زمام فرود هواپیما



او همیشه به زندگی

می‌اندیشید. به ساختن. به

متعالی شدن. ایشان وقتی

می‌دید که می‌تواند با حضور

خودش، برای کشورش مثمر

ثمر باشد و کاری مثبت انجام

دهد، نباید ذهنش را به مرگ

مشغول کند. او به زندگی

فکر می‌کرد، زندگی می‌کرد و

زندگی می‌ساخت.





آیا خاطره‌ای از ایشان دارید که تا به حال جایی بازگو نکرده باشید؟

در کمسیون فرماندهان قرار بر این شد که به دلیل پرواز شهید ستاری با بنانزا، وینگر خلبانی به وی اهداء شود که این اقدام قرار شد از طرف بنده به انجام برسد. وینگر خلبانی معمولاً به کسانی اهدا می‌شود که بتوانند با هواپیماهای شکاری پیشرفته و مدرن پرواز کنند. اما تجربه شهید ستاری فقط در پرواز بنانزا بود. این موضوع را فکر کنم مسوول دفتر ایشان یا یکی از اطرافیان مطرح کرده بود. اما به دلیل شخصیت والای ایشان و توانمندی‌های فوق‌العاده‌شان احساس کردم وی نیازی به این موضوع نداشت و چه بسا سبب کسر شأن ایشان می‌شد. چرا که حرف‌های حاشیه‌ای و پشت سر برای ایشان به وجود می‌آورد که برای شخصیت بی‌حاشیه و والای ایشان خوب نبود. شهید ستاری در تخصص خود بسیار با اطلاع و توانمند بود و با اشراف کامل مسائل را پیش می‌برد. بنابراین بعدها که این موضوع را با ایشان در میان گذاشتم، بسیار خوشحال شد و از این تصمیم من استقبال کرد و با من هم رای بود.

به نظر شما راز ماندگاری مردان بزرگ و آسمانی همچون شهید ستاری در چیست که بعد از سال‌ها، همچنان درباره‌شان بحث و گفت‌وگو است؟

به نظر بنده گاهی اوقات، مردان بزرگ ضمن بهره‌مندی از اطلاعات و تجارب کافی در حیطه کار، و حتی زندگی شخصی مردان بزرگ، در نهایت با شهادتشان کامل و کامل‌تر می‌شوند. شهید ستاری با عملکرد مثبتشان در طول دوران زندگی در نهایت با شهادتشان تصویری ماندگار بر ذهن‌ها حک کردند که بسیار ارزشمند و ستودنی است. این است که حرف زدن درباره این بزرگواران، لذت بخش و دوست داشتنی است.

جناب رستمی! اگر نکته‌ای در اینجا لازم است درباره شهید ستاری گفته شود، بفرمایید.

یک نکته بسیار مهم در زندگی شهید ستاری این است، که ایشان خانواده‌ای داشت که همواره پشتیبان او بودند و با رفتار بزرگوارانه‌ای که داشتند، به آن شهید اجازه می‌دادند تا تمرکز بر روی کار بیرون اش، صددرصد باشد و خیالش از طرف خانواده راحت باشد. همسر بزرگوار ایشان، مسوولیت تربیت فرزندان و امور خانه را به بهترین شکل ممکن انجام دادند و فرزندان تربیت کردند که امروز هر یک از آنها، سبب افتخار هستند. بنابراین باید گفت اگر مردان بزرگی همچون شهید ستاری در آسمان ایران می‌درخشند، پشتوانه‌های ارزشمند و بزرگوار هم چون همسران خود دارند که این مهم رقم خورده است.

با آنکه بسیار ناراحت و آزرده خاطر می‌شدند با دلجویی از خانواده مرحومین آنها را به صبر و زندگی دعوت می‌کرد. من البته یک بار گریه ایشان را دیدم و آن هم زمانی بود که خبر شهادت شهید بابایی را اعلام کردند. ایشان با صبوری زیادی که داشتند، سعی می‌کردند سنگ صبور دیگران باشند و به دیگران اطمینان خاطر و قوت قلب بدهند.

اگر بخواهید یک ویژگی بارز از ایشان مثال بزنید به چه موردی اشاره می‌کنید؟

وی با روحیه خستگی‌ناپذیر هیچ‌گاه از مشکلات که در آن زمان کم هم نبودند دلسرد نمی‌شدند و با متانت و صبوری که شاخصه اصلی شخصیتشان بود سعی بر رفع موانع و مشکلات داشتند.

به نظر شما اگر ایشان اکنون در قید حیات بودند، چه موضوعی را پیگیری می‌کردند؟

شاید بتوانیم بگوییم که مشکلات این روزهای ما تا حدود بسیار زیادی با اهمیت دادن به جوانان این مرز و بوم بر طرف خواهد شد. سرلشکر شهید ستاری جنگنده آسمانی ما آن روزها کاملاً بر این امر واقف بود و همان طور که پیش‌تر اشاره کردم با میدان دادن به جوانان عصر خود آینده مرز و بومش را روشن می‌ساخت و به طور حتم اگر او را در کنار خود داشتیم با پشتکار و عزمی که همیشه در وی شاهد بودم مشکلاتی که گاهی به سختی رفع می‌شد را به آسانی برطرف می‌کرد.

فرمول شهید ستاری برای مقابله با همه سختی‌ها چه بوده است؟

آرامش درونی دکتر ستاری شاخص اصلی و بارز این مرد بزرگ بود و به طور حتم این شاخصه کاملاً اثری است چراکه با برخوردی که با پسر ایشان داشتم همان نگاه توأم با صبر و شکیبایی در چهره‌شان نمایان بود.

ادبیات چقدر در بالندگی ذهن شهید ستاری تأثیر گذار بود؟

از نظر بنده شهید ستاری شاعری فرهیخته و علاقه‌مند به شعر و ادبیات بود. در بسیاری از صحبت‌ها و سخنرانی‌ها، ایشان از ادبیات و مثال‌های نغز و ارزشمند ادبیات کهن استفاده می‌کرد و از این طریق هم صحبت‌هایشان دلنشین بود و هم تأثیرگذار.

آیا ایشان اهل شوخی و خنده هم بودند یا همیشه در کار جدی بودند؟

نخیر ایشان بسیار خوش مشرب و اهل خنده و مزاح بودند و بسیاری از کارها را با روی خوش به جلو می‌بردند و روحیه اطرافیان را هم ارتقا می‌دادند. با این حال، در صورت لزوم، جدیت کافی در کار داشتند.



شهید ستاری بسیار خوش

مشرب و اهل خنده و مزاح

بودند و بسیاری از کارها را با

روی خوش به جلو می‌بردند

و روحیه اطرافیان را هم ارتقا

می‌دادند. با این حال، در صورت

لزوم، جدیت کافی در کار

داشتند.



گفت‌وگو با کارگردانی که درباره زندگی شهید ستاری یک فیلم مستند ساخت

آخرین پرواز نابغه آسمان

مستند تلویزیونی "آخرین پرواز" به کارگردانی محمدعلی فارسی نگاهی دارد ژرف و معناگرا به زندگی مردی که او را نابغه نیروی هوایی ایران می‌نامند. مردی که در عملیات خیبر و در محاصره بمباران شیمیایی، ماسک خود را تقدیم به پیرمردی که راننده لودر بود کرد و بر اثر این اقدام وی تا زمان شهادت از شامه بویایی بی بهره بود و تا پایان عمر این موضوع را از همگان مخفی کرد.

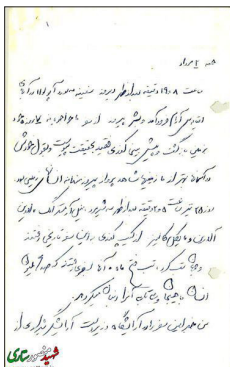
سرلشکر شهید منصور ستاری بزرگمردی که اقدامات ماندگارش از طراحی و ساخت هواپیمای سبک‌پرست و هواپیمای جنگنده آذرخش و تأسیس دانشکده پرواز تا تأسیس دانشکده پرستاری و راه اندازی مرکز تحقیقات و آموزش پزشکی (پاتولوژی) نیروی هوایی همواره در اذهان باقی است و با حمایت پرسنل از جان گذشته نیروی هوایی آنچه در توان داشت در طبق اخلاص نهاده و به پیشگاه ملت ایران تقدیم نمود و امروز به خیل شهیدانی پیوسته است که همواره در فراق آنها می‌سوخت. گفت و گویی که در ادامه می‌خوانید به بهانه تلاشی است که محمدعلی فارسی، مستندساز بنام کشورمان در بازنگری مجدد از زندگی این انسان وارسته داشته و با عنوان مستند تلویزیونی "آخرین پرواز" بر آنتن صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران خوش درخشیده

است.

ساخت این مستند مستلزم تحقیقات زیادی بوده با انجام این تحقیقات به چه نکات برجسته ای درباره شهید ستاری پی بردید؟

شهید ستاری متین و به شدت وطن پرست بود اما موضوعی که ایشان را متمایز از سایر شهدا می‌کند تسلط و تبحر شهید ستاری در علم است، به شدت اهل مطالعه بود و با اینکه در آن زمان دسترسی به اینترنت و اطلاعات به آسانی امروز نبود اما شهید ستاری مجلات را با دقت ترجمه و مطالعه می‌کرد. اطلاعات بسیار کاملی از ویژگی هواپیماها داشت و همین تسلط و اطلاعات در موارد بسیار به کمک کشور آمد. در زمان جنگ نیروی هوایی ایران تحریم بود و در مقابل عراق به پیشرفته ترین هواپیماها مجهز می‌شد حتی ایران در چندین عملیات هوایی نیز شکست خورده بود اما شهید ستاری به همراه چندین افسر هم رتبه خود در عملیات والفجر ۸ با ابتکار و اطلاعاتی که داشتند باعث تعجب همگان شدند در این عملیات پنج هواپیمای دشمن در چند روز نخست عملیات و در مجموع ۷۶ هواپیما سرنگون شد به طوری که عنوان کردند اسرائیل به ایران کمک کرده است.

عکس نوشت



واکنش به فتح ماه

تحلیل و نقد فرود انسان بر روی کره ماه و بازگشت فاتحان به زمین توسط شهید ستاری در ۲۱ سالگی؛ جانانه، خواندنی و آموزشی است. در ۲۰ ژوئیه ۱۹۶۹ فضاییمای آپولو ۱۱ برای نخستین بار بر روی کره ماه نشست و دو فضانورد آمریکایی به عنوان نخستین انسان‌ها و فاتحان آن، تصاویری را به زمین مخابره کردند. این رویداد، آنچنان شگفت‌انگیز و هیجان آور بود که عادی ترین و ناآگاه ترین افراد در نقاط مختلف جهان نیز به آن واکنش‌های جالب توجهی نشان می‌دادند. شهید منصور ستاری که در آن دوران (۱۳۴۸ هجری شمسی) جوانی ۲۱ ساله بود، در تاریخ ۲ مرداد ماه؛ یک روز بعد از فتح ماه، دست نوشته ای دارد که به تحلیل دقیق این رویداد مهم و واکنش افراد جامعه به آن می‌پردازد که نه تنها در نوع خود خواندنی است بلکه می‌تواند به عنوان نمونه ای از تیزبینی نقادانه و موشکافانه از وقایع علمی و اجتماعی یک جست و جوگر مورد بررسی قرار گیرد. تصویر این دست‌نوشته را می‌توانید در sattari.ir بخوانید.



برای تولید مستند «آخرین پرواز» چه دشواری‌هایی پیش رو داشتید؟

فیلمسازی در نیروگاه نظامی در هر دوره ای سخت است، برای ساخت مستند شهید ستاری بیشترین مسئله ای که کار ما را به تاخیر می‌انداخت هماهنگی‌ها و برخی ممنوعیت‌هایی بود که ایجاد کردند. برای ساخت این مجموعه‌ها ماه‌ها با حفاظت ارتش مشکل داشتیم و آمار و اطلاعات را در اختیار ما قرار نمی‌دادند تا نیروهای جدیدی آمدند و با این جابه جایی ما ساخت مجموعه را شروع کردیم. در عصری که اینترنت و سایر فناوری‌ها این امکان را می‌دهد تا با جستجوی کلمه‌ای در گوگل بسیاری اطلاعات و تصویر بدست آوریم اما برای ساخت این مجموعه سختی‌هایی حتی در تصویربرداری داشتیم.

کمتر شاهد ساخت مجموعه‌هایی به این صورت را شاهد هستیم. دلیل آن از نظر شما چیست؟

ساخت این مجموعه‌ها باید به سفارش شبکه ای خاص باشد تا از تلویزیون پخش شود فرماندهانی همچون شهید ستاری سرمایه‌های این کشور هستند که باید الگویی برای سایرین باشند پس تا زمانی که هم‌زمان و شاهدان برای ثبت خاطرات و فعالیت‌های آنان در دسترس هستند باید از آنها بهره برد و ضبط

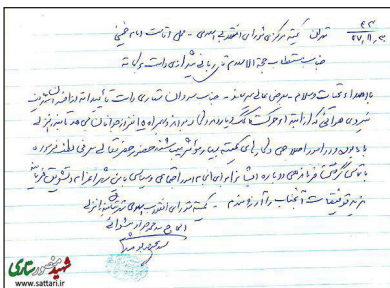
و ثبت فعالیت‌های آنها انجام شود. شاید یک دلیل اینکه ساخت مجموعه‌های تلویزیونی در این زمینه را کمتر شاهد هستیم عدم دغدغه بین مدیران عرصه هنر است که به شدت دچار روزمرگی شدند. البته در کشور ما هنوز آرشو کاملی از زمان جنگ وجود ندارد حتی نمی‌توانیم فیلمی سه دقیقه‌ای از اردوگاه‌های جنگی را پیدا کنیم و اگر تصاویری از جنگ بخواهیم باید از سایر کشورها خریداری کنیم با پخش این مجموعه استقبال خوبی از آن شد آخرین پرواز به سفارش شبکه ۵ ساخته و از این شبکه پخش شد بعد از آن نیز شبکه‌های ۱، ۲، افق و مستند نیز آن را پخش کردند.

شهید ستاری متین و به شدت وطن پرست بود اما موضوعی که ایشان را متمایز از سایر شهدا می‌کند تسلط و تجربه شهید ستاری در علم است، به شدت اهل مطالعه بود و با اینکه در آن زمان دسترسی به اینترنت و اطلاعات به آسانی امروز نبود اما شهید ستاری مجلات را با دقت ترجمه و مطالعه می‌کرد.

عکس نوشت

نخستین حکم بعد از انقلاب

در نخستین روزهای انقلاب حاج سیدمحمد جواد پیشوایی از روحانیان انقلاب و از شاگردان امام خمینی (ره)، یکی از کسانی بود که مورد اعتماد رهبر کبیر انقلاب قرار گرفت و در ۲۷ بهمن ماه؛ پنج روز پس از وقوع انقلاب اسلامی، به عنوان نماینده ایشان در بندر انزلی منصوب شد. درست ۳ روز پس از این انتصاب که با هدف ساماندهی امور و پیگیری حرکت انقلاب در آن شهر انجام شده بود، وی نامه ای به آیت الله ربانی شیرازی از اعضای کمیته مرکزی شورای انقلاب اسلامی می‌نویسد و از او درخواست می‌کند «سروان منصور ستاری» را به دلیل اینکه در دوران انقلاب «یار و همدل و مددکار» انقلابیون بودند برای ادامه فعالیت‌ها و «انجام امور سیاسی و اجتماعی» به این شهر مامور کند.



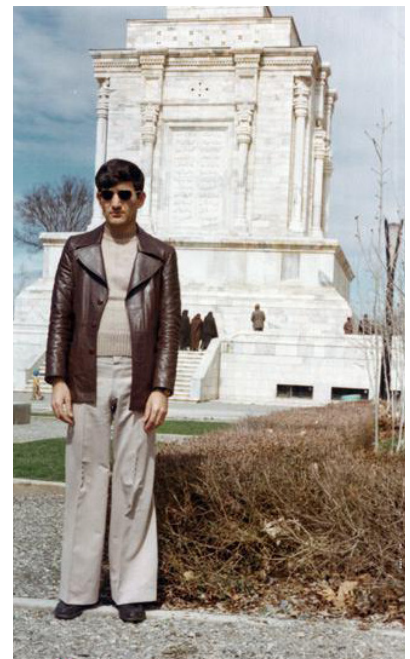
چرا باید منصور ستاری را بیشتر بشناسیم؟

در کارشان دارند که همواره بر ملاست اما چشم تیزبین و جان حقیقت بین می طلبد تا این رموز را به خط خوش بخوانند. منصور ستاری در کوتاه ترین بیان ممکن؛ نوآور، خلاق، بسیار پیگیر، کارآفرین، صبور، مومن، امیدوار و خستگی ناپذیر است. شکی نیست که فرهنگی که در خانواده ایشان در گذشته، جاری بوده و پدر و پدربزرگ ایشان کارآفرینانی بالذاته و خلاق بوده اند، در شکل گیری شخصیت یکه و همواره با نبوغ فراوان شهید منصور، تاثیری مستقیم داشته است. اما آنچه قابل احترام است، اینکه ایشان از داشته ها و ثروت فکری و فرهنگی خانواده بزرگوارش، به بهترین شکل ممکن و برای تعالی و پیشرفت میهن عزیز و اسلامی مان بهره برد و بی آنکه، چشمداشت مادی و مقامی داشته باشد، شبانه روز، تلاش کرد و بنیان های نیکوی بسیاری برای آیندگان به جا گذاشت. درس ستاری و دیگر شهیدان و بزرگانی همچون ایشان، در همین یک موضوع خلاصه می شود که اگر کارمان را درست انجام دهیم، جاودانه می شویم. یادشان همیشه گرامی.

*مشاور معاون علمی و فناوری رییس جمهوری

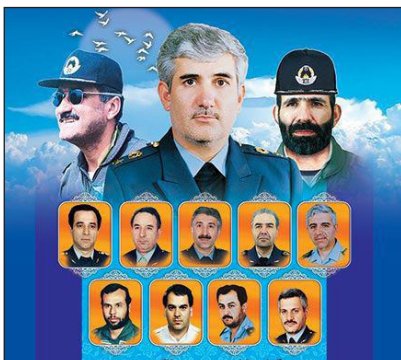
پرویز کرمی*
سوال اساسی این است: آدمها چطور جاودانه می شوند؟ این سوال در برخورد با نام بزرگ «منصور ستاری» به ذهن متبادر می شود. آشنایی من با شهید سرلشگر منصور ستاری، از گذشته و به واسطه دوستان و همکاران و جایگاه ارزشمند ایشان در نظام اسلامی، به دست آمده است. گرچه سه سال است که به واسطه همکاری من با فرزند برومند ایشان دکتر سورنا ستاری، در معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، چندین و چند برابر بر آشنایی من نسبت به آن شهید افزوده شده است. ستاری از آن دست چهره هایی است که غبار زمان و فراموشی، بر چهره شان نمی نشیند. منصور ستاری، اسفندیاری است که چشمانش هم روشن و روین است. این روشنی، از آگاهی نسبت به مقام صبر و عمل، سرچشمه می گیرد. وقتی قرار شد به کمک دوستان و دوستانان آن شهید، وب سایت sattari.ir را راه اندازی کنیم، فکر می کردیم، همه چیز را درباره ایشان می دانیم. اما زمان، همه ما را به اشتباه مان واقف کرد. ستاری و ستاری ها، رمزهای زیادی

همیشه آشنا



منصور ستاری در آرامگاه فردوسی - مشهد

عکس نوشت



یازده یار

شهید سرلشگر منصور ستاری، در ۱۵ دیماه سال ۱۳۷۳، برای آسمانی شدن تنها نبود. شهیدان یاسینی، اردستانی، شجاعی، سرتیپ شهید رزاقی، جم منش، ریاحی شریفی، جمشیدی، سنایی، محتشمی، محسومی و پورزادی بعد از بازدید از پایگاه های نیروی هوایی ارتش در مسیر برگشت از پایگاه هوایی شهید بابایی اصفهان فرمانده دوست داشتنی شان را تا اوجها، همراهی جاودانه کردند. یادشان جاویدان.